

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری

(مورد: محدوده‌ی اطراف پارک شهر- تهران)

محمد رضا بمانیان*، مجتبی رفیعیان**، الهام ضابطیان***

چکیده: وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که حساسیت وجود و یا میزان امنیت نسبت به برخی از گروه‌های سنی و جنسی متفاوت می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده تا با بهره‌گیری از مطالعات میدانی، موضوع امنیت محیط‌های شهری با رویکرد جنسیتی مورد مطالعه قرار گیرد. روند کار شامل استخراج مبانی و تجارب مرتبط صورت گرفته، سپس مفهوم‌سازی و استخراج ابعاد و شاخص‌ها و متغیرها است. داده‌های مورد نیاز بر پایه پرسشنامه گردآوری شده است، محدوده‌ی مطالعاتی با توجه به میزان کشش اجتماعی فضای عمومی شهری، محدوده‌ای در جنوب خیابان امام خمینی، انتخاب گردیده است. سنجش میزان امنیت درک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از فضا و ارتباط بین این دو مؤلفه از اهداف اساسی این مقاله می‌باشد. در این زمینه نتایج مطالعه نشان داد که بین احساس امنیت درک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از آن فضا رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین در سنجش شاخص‌های بعد اجتماعی کالبدی به مسئله میزان آشنا بودن محیط و شهرت فضا و در بُعد اجتماعی به شاخص عدالت اجتماعی فضا و اهمیت متغیر چیرگی جنسیتی در احساس امنیت ذهنی زنان در این شاخص پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، ارتقای امنیت، فضاهای عمومی، زنان، مشارکت، تهران.

مقدمه

اهمیت موضوع امنیت در تمامی سطوح گسترده‌ی علم امری بدیهی است. مدتی است که به موضوع تحت عنوان پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی^۱ در عرصه‌ی مطالعات شهری و اجتماعی نیز توجه می‌شود. فقدان امنیت ذهنی در یک فضای عمومی شهری بحثی نسبتاً جدید است. از جمله عوامل تأثیرگذار در درک امنیت

bemanian@modares.ac.ir

rafiei_m@modares.ac.ir

ezabetian@modares.ac.ir

* عضو هیئت علمی گروه معماری دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

** عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

*** کارشناس ارشد شهرسازی - دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۱/۲۳

¹. Crime Prevention Throught Environment Design (CPTED)

ذهنی از یک فضای عمومی شهری، عوامل شخصیتی هستند که مهم‌ترین آن‌ها جنسیت است (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۵). برخی از زنان خود نیز از این ترس که در طول روز با آن‌ها همراه است آگاه نیستند و تنها احساس ناخوشایندی در بهره‌گیری از محیط‌های عمومی شهری دارند. آن‌ها با این ترس به دنیا نیامده‌اند، اما برای آن‌ها همگانی و هنجار شده است (هوارد^۲، ۱۹۹: ۲۱۹). تحقیقات موجود در رویکرد جنسیتی در بحث امنیت فضاهای عمومی شهری بسیار مختصر بوده و بنا به اطلاعات موجود، در کشور ما مطالعه‌ای جامع در این زمینه صورت نگرفته است. نمونه‌ای از تجارب جهانی شامل مطالعات صورت گرفته در کشورهای انگلستان، کانادا و ایالات متحده است که در قالب کنفرانس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و مطالعات سنجش مشارکتی صورت گرفته است و از این منظر موضوع امنیت زنان در فضاهای شهری، نسبتاً جدید و نوآورانه است. امنیت زنان در فضاهای شهری منافع اجتماعی و اقتصادی زیادی در پی خواهد داشت. حس امنیت زنان تنها یک مقوله‌ی مربوط به زنان نیست و اگر زنان احساس امنیت کنند، مردان و در مجموع فضای عمومی جامعه را نیز هم تحت تأثیر قرار خواهند داد. احساس امنیت در زنان می‌تواند در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و مشارکتی بهتر را در صحنه‌ی اجتماع به‌وجود آورد. با بهبود وضعیت امنیت عمومی برای زنان، آنان می‌توانند شب‌ها بیرون بروند، مشتری تئاترها و سینماها یا حتی جذب مؤسسه‌های کسب‌وکار شوند بنابراین باید همه از برنامه‌ریزی و طراحی برای ارتقای امنیت زنان سود ببرند (رزوارن، ۲۰۰۵: ۷۶). در این تحقیق سعی کرده‌ایم تا پس از مرور نظریه‌های مرتبط با امنیت ذهنی زنان، شاخص‌های لازم برای تدوین مدل عملیاتی پژوهش استخراج و در قالب مطالعات مشارکتی و برداشت‌های میدانی در بخشی از فضای کالبدی شهر تهران (محدوده‌ی پارک شهر) ارزیابی کنیم. قابل ذکر است که در فرایند این تحقیق از ذکر مطالعات و شاخص‌ها و نتایج تحلیلی مربوط به بعد کالبدی و امنیت عینی و فیزیکی صرف‌نظر شده است و اولویت این مقاله بر رویکرد اجتماعی و امنیت ذهنی (و نه عینی) زنان است.

مبانی نظری

امنیت شهری

پژوهش‌گران در چهارچوبی واقع‌بینانه امنیت را در واژه‌های سیاسی و انتظامی تعریف کرده‌اند و به‌طور کلی بیشتر آن‌را به معنی حمایت از ارزش‌ها و مقابله با خطرها و دشمن می‌دانند (براونلو^۳، ۲۰۰۴: ۵۸۶). به‌طور

^۲. Howard

^۳. Brownlow

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۵۱

کلی امنیت را می‌توان یک حق بنیادین و پیش‌نیازی برای ابقا و ارتقای رفاه و سلامت مردم دانست. بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو^۴ در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌شود؛ درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارد و ارتقای این مؤلفه بر سلامت و سعادت انسان‌ها و در نتیجه بر جامعه تأثیری مستقیم می‌گذارد (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸: ص ۲۷۱). عموماً برای تبیین مفهوم نظری امنیت دو بعد متمایز ذکر می‌کنند: اول بعد عینی^۵ آن است که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی و دوم بعد ذهنی^۶ که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی بگذارند. بنابراین لازم است که به این دو بعد با هم توجه کنیم تا امنیت عمومی ارتقاء یابد (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸: ۲۹۷).

جین جیکوبز^۷، نظریه‌پرداز بزرگ شهری (۱۹۶۱)، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند و بر فعال بودن فضا به‌عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق توجه و تأکید کرد. جیکوبز ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به‌عنوان مؤلفه‌هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند. اسکار نیومن^۸ (۱۹۷۳) نیز در مورد فضاهای قابل دفاع عنوان می‌کند که مردم و طرح‌ها در یک «شهر خوشونت آمیز»^۹ از روی کردهای مشابه در رفتارهای اجتماعی و در جهت توسعه‌ی یک محیط امن پیروی می‌کنند. اخیراً کار تیم بیل هیلر^{۱۰} با استفاده از نرم‌افزار اسپیس سینتکس^{۱۱} نیز در بعد کالبدی تجمیع خیابان‌ها و لایه‌های آن‌را به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی در ایجاد یک محیط امن شهری معرفی کرده‌اند. از نظر این گروه بهترین محیط‌های شهری آن‌هایی هستند که به‌خوبی با الگوی شهر یک‌پارچه شده‌اند و امنیت عمومی را رواج می‌دهند (بوئل^{۱۲}، ۲۰۰۲: ۲۶۶).

4. Maslow

5. Objective

6. Subjective

7. Jane Jacobs

8. Newman

9. Violent city

10. Bill Hillier

11. Space Syntax

12. Boyle

جنسیت و احساس امنیت

جنسیت به عنوان تأثیرگذارترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است و حس امنیت آنان نیز تبعاً متفاوت است. عموماً زنان نسبت به مردان بیشتر احساس ترس می‌کنند، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی خشونت در محیط‌های عمومی شهری شوند. به طور کلی مردان احساسی مثبت‌تر در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند مثلاً؛ هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند، اما درجه‌ی حس ناامنی در زنان بالاتر است (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۵). مطالعات نشان می‌دهد که زنان از بعضی شرایط نظیر تنها ماندن در برخی فضاها یا تاریکی هوا می‌ترسند. برای مثال در تحقیقات در مورد ارتقای امنیت زنان در بریتیش کلمبیا^{۱۳} در سال ۱۹۹۲ انجام شد، تحلیل کلی اجتماعی در کانادا نشان داد که عموماً ۶۰ درصد از زنان کانادایی از تنها پیاده‌روی کردن در محله و واحد همسایگی خود بعد از تاریک شدن هوا وحشت دارند. ۷۶ درصد از منتظر ماندن برای استفاده از وسایل نقلیه‌ی عمومی بعد از تاریک شدن هوا می‌ترسند و ۸۳ درصد از تنها پیاده‌روی کردن به سمت ماشین در گاراژها و پارکینگ‌ها واهمه دارند (سایت فمینیست^{۱۴}، ۲۰۰۶). ترس از وقوع جرم و قربانی شدن، رفتار و حالات را در فضاهای عمومی شهری تغییر می‌دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است؛ اثراتی که حرکت‌های آن‌ها را محدود می‌کند و به‌ویژه باعث می‌شود بعد از تاریک شدن هوا در خانه بمانند و فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی زنان از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر کار کردن تا دیروقت یا شغل‌هایی که شیفی هستند یا کلاس‌های عصر و فعالیت‌هایی نظیر آن خارج می‌شوند و البته در این‌گونه موارد هیچ تردیدی نیست که همواره زنان فقیرتر بیشتر قربانی جنایت و ترس ناشی از این ناامنی می‌شوند (لوبوا و متانی^{۱۵}، ۲۰۰۴: ۱۶).

امنیت در فضاهای عمومی مرکزی شهری

تحقیقات اخیر در استرالیا و دیگر کشورها نشان می‌دهد که تفرج‌گاه‌ها، بازارها و دیگر مراکز خرید عمومی در برابر جرم آسیب‌پذیر هستند. اصولاً موقعیت‌های تجاری و تفریحی بر جرم و رفتار مجرمانه در سطوح پیرامون خود تأثیر می‌گذارند، همان‌طور که این سطوح قسمتی از پیاده‌روها و فضاهای خارجی

13. British Columbia

14. www.feminist.com

15. Lubuva and Mtani

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۵۳

خود را نیز هم‌رنگ خود می‌کنند (بل^{۱۶}، ۱۹۹۸: ۱۱). به دلیل قرار گرفتن نمونه‌ی عملیاتی این پژوهش (مطالعه‌ی میدانی بر مرکز اصلی شهر تهران) در این دسته، در بخش مطالعات میدانی به تفصیل به خصوصیات و امنیت و تجارب جهانی ارتقای امنیت مراکز شهری می‌پردازیم. در واقع مراکز شهری قدرتی دارند که مکان‌هایی را که با آن‌ها تعامل و رویارویی مستقیم ندارند را نیز تحت کنترل قرار می‌دهند. عمل‌کردهای اجتماعی فضا‌های شهری وابسته به «قلمرو عمومی»^{۱۷} است و با تفکیک فعالیت‌ها، طبقات، نژاد، سن، جنس و غیره، قلمرو عمومی به تدریج با احساس‌هایی نظیر ترس، سوءظن و بدگمانی، تنش و ناسازگاری گروه‌های مختلف اجتماعی همراه و متلاشی می‌شود (دیتون^{۱۸}، ۲۰۰۰: ۶۹۸، اما از نظر ورپل^{۱۹} (۱۹۹۲) فضا‌های عمومی در مراکز شهری، یک عمل‌کرد ساده و خام و ارزشی تحت عنوان «قلمرو خنثی» دارند. این به آن معنی است که مردم به راحتی می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند، بدون این‌که احساس خجالت یا دست‌پاچه‌گی داشته باشند و این مکان جایی است که درجه و ارزش هر فرد برابر است و خوشبختانه بیشتر مردم هنوز احساس می‌کنند مرکز شهر متعلق به همه است (اس تیسدل^{۲۰}، ۱۹۹۸).

ارتباط فضای اجتماعی و فضای کالبدی در ایجاد احساس امنیت

فضا نمی‌تواند در یک خلأ اجتماعی دیده شود و بعد فیزیکی و اجتماعی دو بعد وابسته‌ی فضا محسوب می‌شوند. از جمله مباحث دوبعدی اجتماعی و کالبدی امنیت یک فضای شهری، می‌توان به مؤلفه‌های آشنا بودن فضا^{۲۱} و شهرت محیط^{۲۲} اشاره کرد. آشنا بودن فضا و نداشتن حس غربت (که موجب ترس و اضطراب می‌شود) در تقویت احساس امنیت ذهنی فرد نقشی مهم دارد. به علاوه، زمینه‌ی ذهنی مثبت یا منفی به یادمانده از فضا می‌تواند در احساس کلی درک‌شده نسبت به فضا تأثیرگذار باشد (برتون و لین^{۲۳}، ۲۰۰۶) زنان معمولاً به مکان‌هایی خاص برچسب می‌زنند و آن‌ها بدنام و ناامن تلقی می‌کنند و این معمولاً به علت وقوع و انتشار خیر حادثه‌ها در این‌گونه اماکن است و یک توافق دسته‌جمعی حاصل می‌شود که آن مکان‌ها «بد» هستند. چنین

16. Bell

17. Public realm

18. Ditton

19. Worpole

20. S Tiesdell

21. Familiarity

22. Reputation of places

23. Burton and Lynne

تصویراتی از مکان‌ها نقشی محوری در احساس ناامنی و تصمیم‌گیری برای اجتناب از آن‌ها دارند و در واقع جنبه‌های اجتماعی در ایجاد این تصورات از مکان‌ها شرکت می‌کنند. در تحقیقی که در دو شهر هلسینکی^{۲۴} (فنلاند) و ادینبرو^{۲۵} (اسکاتلند) انجام شد نیز مناطقی شناسایی شدند که دارای این‌گونه شهرت‌ها بودند و جنبه‌های طراحی آن‌ها نیز به‌سادگی شهرت آن‌ها را به‌عنوان مکان‌های ناامن برای زنان تقویت می‌کرد. برخی از این فضاها مربوط به نواحی مسکونی گروه‌های کم‌درآمد بعد از جنگ و البته در مواقعی هم این شهرت‌ها بی‌اساس بودند. افراد ممکن است ناخودآگاه از مکان‌هایی معین اجتناب کنند، نه به‌علت ترس از آن‌ها، بلکه به‌علت تصویری ناخوشایند از آن مکان‌ها (بین کاسکالا^{۲۶}، ۲۰۰۰: ۲۹۲). بنابراین سنجش شهرت اجتماعی یک فضای فیزیکی و ارتقای آن می‌تواند در ارتقای احساس امنیت زنان تأثیرگذار باشد.

روابط اجتماعی مؤثر در افزایش حضور زنان در فضاهای شهری

در ۱۹۹۰، ولنتاین^{۲۷} ادعا کرد که «با تسهیل ادراکی که از یک مکان فیزیکی وجود دارد و به‌طور غیر رسمی از طریق طراحی کنترلی، می‌توان اطمینان زنان را برای بیرون رفتن از خانه‌های‌شان و حضور در عرصه‌های عمومی شهری افزایش داد». او ده استراتژی طراحی را پیشنهاد کرد که عموماً به راه‌کارهای مداخلات فیزیکی منتهی می‌شد. ولنتاین روی‌کردش را نسبت به محیط اجتماعی هم بسط داد و عنوان کرد: «زنان با حضور بالفعل و بالقوه‌ی دیگران بیشتر احساس امنیت می‌کنند». درک یک زن از امنیت به‌طور قوی با این ارتباط دارد که چگونه او در ارتباط با هر دو نوع محیط فیزیکی و اجتماعی اطرافش احساس راحتی می‌کند و آن‌ها را چگونه می‌شناسد. در نتیجه به عقیده‌ی او می‌توان گفت: «ارتباطات اجتماعی در یک فضا و گروه‌هایی که آن فضا را از نظر اجتماعی کنترل می‌کنند اثری مهم‌تر از طراحی آن دارند که یک زن در آن فضا احساس امنیت بکند» (بل، ۱۹۹۸: ۱۹)

پس مطالعه‌ی گروه‌های کنترل‌کننده و تأثیرگذار بر محیط اجتماعی یک فضا از اهمیتی خاص برخوردار است. البته در مورد مسئله‌ی عدالت اجتماعی فضا تاکنون تحقیقات بنیادین صورت نگرفته است، اما برخی از نمونه‌های مطالعات میدانی انجام‌شده در سایر کشورها نشان‌دهنده‌ی اهمیت معیار تبعیض اجتماعی و تبعیض جنسیتی در ارزیابی این معیار است. برای مثال در کنفرانسی که تحت عنوان «ساختن مکان‌های امن‌تر و

24. Helsinki

25. Edinburgh

26. Pain Koskela

27. Valentine

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۵۵

امنیت زنان در شهرها» در نوامبر سال ۲۰۰۵ در لندن، از متخصص‌های مختلف دعوت شد. الیزابت جانستون^{۲۸} (قائم‌مقام مدیر مجمع اروپا برای امنیت شهری) ذکر کرد: «برای داشتن یک استراتژی موفق بلندمدت و بهبود احساس امنیت زنان، نیاز به آموزش مردم هم هست». زیرا ممکن است که مردم اجازه‌ی استفاده‌ی راحت از فضاهای عمومی را به زنان ندهند. راه‌کارهایی نظیر انتشار راهنماهایی برای ایجاد احترام در بین زنان و مردان در مسیر مدارس و مراکز واحدهای همسایگی و آموزش برای برخی از رهبران اجتماعی نیز باید انجام شود. او می‌افزاید: «نمونه‌ی این اتفاق در فرانسه افتاد و به‌طوری جامع با تأثیر گذاشتن بر رفتار مردان و پسرها برآورد شد که سرعت و شتاب حرکت زن‌ها بسیار آهسته‌تر از مواقعی بود که زنان احساس می‌کردند تحت فشار هستند و مردان نباید موجب این بی‌عدالتی در برابر زنان شوند و برخی از طرح‌ها بسیار خشن است و بیشتر به مردان توجه دارد و این که ما باید بدون بدبینی به یک نوع مساوات در بین مردم اجتماع برسیم» (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۳۳). در بخش تبعیض میان گروه‌های اجتماعی همان‌طور که در مورد ویژگی مراکز شهری ذکر شده است، فضای عادلانه فضایی است که تمام شهروندان آن‌را متعلق به خود بدانند و بدون احساس خجالت و ترس از آن استفاده کنند (اس تیسدل، ۱۹۹۸).

از جمله مباحث دیگر مرتبط با بعد اجتماعی فضا، بی‌نظمی جمعیتی در محیط شهری و فعالیتی است که از عوامل جرم‌زا در شهرها و فضاهای عمومی شهری محسوب می‌شود؛ یعنی هنگامی که در محیط روابطی قاعده‌مند وجود نداشته باشد و در مکانی ازدحام جمعیت بالاتر از حد ایجاد شود خود یکی از عوامل ایجاد حس ناامنی محسوب می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۹). برای مثال در دو مطالعه در مورد احساس امنیت زنان در فضاهای شهری در دو شهر هلسنینکی و ادینبرو مشخص شد که ترس و احساس ناامنی ممکن است در هر دو محیط متضاد «فضاهای خالی» و «فضاهای شلوغ» یا در فضاهای باز و فضاهای بسته اتفاق بیفتد، اما میزان بروز آن در فضاهای بی‌نظم شلوغ خیلی بیشتر است (پین کاسکالا، ۲۰۰۰: ۲۹۱). مسئله‌ی مراقبت طبیعی اجتماعی نیز همان‌طور که در نظریه‌ی چشم‌های خیابان جین جیکوبز نیز اشاره شده است از عوامل اجتماعی تأثیرگذار در احساس امنیت است که بر فرایند نظارت و کنترل فضا دلالت دارد. البته این نظارت در قالب نظارت مصنوعی (دوربین‌های مدار بسته) نیز قابل انجام است (ضابطیان، ۱۳۸۷: ۴۶).

²⁸ . Elizabeth Johnston

جاذبه و اجتماع‌پذیری فضا از دیگر مؤلفه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر امنیت فضای فیزیکی است. در واقع ترس از جرم در یک جامعه به‌عنوان یک عامل نفاق و در واقع مشکلی بزرگ‌تر از خود جرم است. در زمینه‌ی میزان استفاده‌ی عمومی از فضاهای شهری، عموم مردم اغلب از جاهایی دوری می‌کنند که احساس در معرض خطر بودن و آسیب دیدن و به‌طور کلی ناامنی دارند و این امر به‌تدریج این محیط‌ها را متروک و بی‌دفاع‌تر می‌کند و گرچه ممکن است در ابتدا این مناطق واقعاً ناامن نبوده‌اند، به‌تدریج محیط‌هایی مستعد برای سوءاستفاده‌های مجرمانه و فعالیت‌های نامناسب می‌شوند. برخی از نظریه‌پردازان از جمله اسکار نیومن (۱۹۷۷) از این فضاها به‌عنوان «فضاهای بی‌دفاع» یاد می‌کنند که باید در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های شهری شناسایی و به آن‌ها توجه دقیق شود.

مجموع روی‌کردها بر این جنبه تأکید می‌کنند که ایجاد محیطی ایمن که مردم را جذب و تشویق به پیاده‌روی (بدون ترس و حس ناامنی) و مکث و در نتیجه تعامل اجتماعی بیشتر بکند، در واقع نه‌تنها به ارتقای کیفیت عمومی فضاهای شهری کمک می‌کند، بلکه به‌واسطه‌ی افزایش شمار مردم ناظر و حاضر در محیط می‌تواند زمینه‌ی بروز گرایشات توسعه‌ای را نیز گسترش دهد (لوبوا و متانی، ۲۰۰۴: ۱۶). در کنار این موارد توجه خاص به امنیت جنسیتی و حضور مؤثر و تعاملی زنان در محیط‌های عمومی شهری نیز حایز اهمیت است بدان معنا که ضمن توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیک و تأمین نیازهای لازم برای تأمین آن، باید به مفهوم مشارکت روحی و اجتماعی زنان در ایجاد و تقویت امنیت محیط‌های شهری نیز توجه کرد. این امر سبب می‌شود تا ضمن تقویت حس تعلق مکانی، حس ترس و ناامنی آن‌ها از حضور مؤثر و تأثیرگذار در فضاهای شهری از بین برود (پی‌پی‌اس، دات، ارگ^{۲۹}، ۲۰۰۵).

با تکیه بر تجارب به‌دست‌آمده تأکید می‌شود که برای نیل به هدف در طراحی برنامه‌ای برای ایجاد یک فضای امن برای زنان، گام اول توسعه‌ی یک پایگاه اطلاعاتی مبتنی بر شناخت خصیصه‌های جنسیتی است که در آن اجبارها و چالش‌های مقابل زنان مشخص شود تا بتوان در اعمال برنامه‌ی اجرایی بر عناصر مشخصی تمرکز کرد (برادی^{۳۰}، ۲۰۰۵: ۶۶). با توجه به موارد ذکرشده، روی‌کرد مفهومی منتخب در این پژوهش بر مبنای استفاده از مشارکت مردمی و اعمال نظرات مستقیم زنان در برنامه‌ریزی برای ارتقای امنیت فضای عمومی شهری با تأکید بر ایجاد فرایندهای اجتماعی امنیت‌گرا است.

²⁹ . WWW.PPS.Org (2005)

³⁰ . Brady

روش تحقیق

مفهوم‌سازی امنیت زنان

با استفاده از فرایند مفهوم‌سازی^{۳۱}، که در واقع ساختن مفهومی انتزاعی برای فهمیدن یک امر واقعی است (خاکی، ۱۳۷۸: ۷۵)، ابتدا مفهوم امنیت به سه بعد کالبدی، کالبدی-اجتماعی و اجتماعی تقسیم شده است تا ترکیب‌های پیچیده‌ی دو بخش مکان کالبدی و شرایط اجتماعی قابل سنجش شود. سپس، هر بعد به شاخص‌های سازنده‌ی آن تفکیک شده است که خود دارای متغیرهایی هستند و در پرسش‌نامه‌ای، سوآلی متناظر با هر یک از متغیرهای مورد مطالعه طرح شده است. در واقع مدل تجربی ساخته‌شده برای سنجش امنیت ذهنی و عینی درک‌شده توسط زنان از کل محدوده‌ی فیزیکی مورد استفاده‌ی آنان، در سطح اول سلسله دارای ابعاد و در سطوح دوم و سوم شامل شاخص‌ها و متغیرها است. البته در این مقاله تنها بخشی از نتایج تحلیلی که مربوط به رابطه‌ی بین امنیت درک‌شده از کل مدل تجربی طراحی شده و میزان تردد در بخش‌های مختلف فضای شهری مطالعه شده و همچنین در بخش تحلیل شاخص‌ها نیز تنها نتایج مربوط به شاخص‌های بعد کالبدی-اجتماعی و بعد اجتماعی را آورده‌ایم. در بعد کالبدی-اجتماعی شاخص‌های «شهرت محیط» که شامل؛ متغیرهای ایجاد ذهنیت مثبت به محیط در نظر فرد و شنیده‌های او از دیگران است و شاخص «آشنا بودن فضا (و نداشتن احساس غربت)» که شامل؛ متغیرهای به‌یاد ماندن مکان‌ها و میزان ایجاد خاطره‌ی مثبت از محیط مورد سنجش قرار می‌گیرد. در بعد اجتماعی نیز شاخص‌های: (۱) «عدالت اجتماعی فضا» که شامل؛ متغیرهای میزان تسلط‌پذیری جنسیتی فضا و میزان تبعیض بین گروه‌های اجتماعی فضا است. (۲) «امنیت درک‌شده از تراکم جمعیت» که شامل؛ متغیرهای تراکم جمعیت و پویایی و فعال بودن جمعیت است. (۳) «نظارت و مراقبت از فضا» که شامل؛ متغیرهای مراقبت‌های کنترل‌شده و مراقبت طبیعی^{۳۲} مثل نظارت عمومی و چشم‌های خیابان است. (۴) «میزان جاذبه و اجتماع‌پذیری فضا» که شامل؛ متغیرهای تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و تمایل به مکث و توقف در فضا است. در مرحله‌ی بعد، از فرایند تحلیل مفهوم با توجه به رویکرد مشارکتی مطرح‌شده، شاخص‌ها در قالب سوآل‌های مرتبط در پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد و در محدوده‌ای واقع در جنوب خیابان امام خمینی (حد فاصل وحدت اسلامی تا ناصر خسرو) برداشت و سنجیده شد. محدوده‌ی مورد نظر بخشی از نواحی تاریخی و مرکزی شهر تهران محسوب می‌شود و بیشتر دارای بافت

31. Conceptualization

32. Natural Surveillance

تجاری-اداری و شامل فضاهای شهری مهمی نظیر؛ میدان امام خمینی و پارک شهر و معابر بزرگی مثل؛ ناصر خسرو، خیام، ۱۵ خرداد و باب همایون است و روزانه تعداد زیادی از زنان شهری در این قسمت تردد دارند.

تنظیم پرسش نامه و تعیین حجم نمونه

در تنظیم پرسش نامه از طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) استفاده کرده‌ایم. برای برآورد حجم جامعه‌ی آماری با توجه به سنجش اولیه از تعداد زنان استفاده کننده از فضا، پس از آزمون اولیه^{۳۳} پرسش نامه‌ی مقدماتی (تعداد ۵۰ نمونه) بین زنان توزیع و انحراف معیار آن محاسبه شد (معادل ۴۶) و اعتبار سؤال‌ها تأیید شد. برای تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^{۳۴} (طالب، ۱۳۷۰: ۷۶) و با جای گذاری انحراف معیار در این فرمول و انتخاب دقت $\alpha=0.05$ تعداد حجم نمونه ۲۸۷ مورد به دست می‌آید. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به این تعداد، حجم نمونه معادل با ۳۰۰ عدد در نظر گرفته شده است سپس پرسش نامه‌ها در زمان‌های مختلف روز و شب و در بین اقشار گوناگون زنان در قسمت‌های مختلف محدوده توزیع شده است. در نهایت، داده‌های خام به دست آمده دسته‌بندی و با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و اسپس اس اس^{۳۵} و تجزیه و تحلیل شد. برای تحلیل و سنجش میزان صحت سؤال‌های پرسش نامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان^{۳۶} ضرایب آلفای^{۳۷} تمامی سؤال‌ها محاسبه شده است. بر اساس محاسبات صورت گرفته چون ضرایب آلفای تمامی سؤال‌های پرسش نامه بزرگ‌تر از ۰/۶ است، ضرورتی برای حذف هیچ کدام از سؤال‌ها وجود نداشته و تأیید شده که مدل مورد استفاده برای سنجش امنیت زنان از دقت و صحت مناسبی برخوردار است.

یافته‌های تحقیق

سنجش میزان امنیت زنان

برای محاسبه‌ی میزان امنیت زنان در محدوده‌ی مطالعاتی، داده‌ها با استفاده از روش آزمون مقایسه‌ی میانگین گروه‌های مستقل^{۳۸} تحلیل شدند. نتایج نشان داد که میانگین امتیاز امنیت محیط به صورت کلی عددی معادل

33. Pre Test

34. Cochran Formula

35. Excel & SPSS

36. Reliability Analysis

37. Alpha Coefficient

38. One Sample T-Test

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۵۹

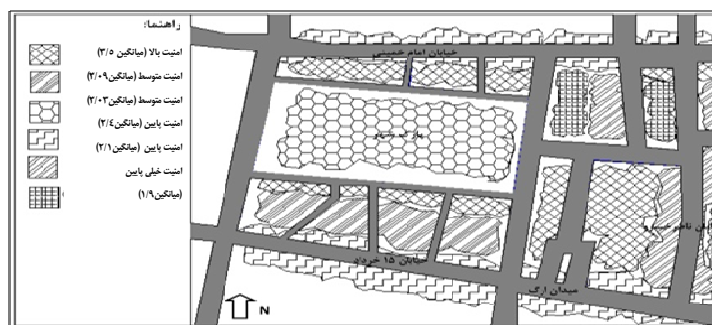
(۲/۸۵۶۱) است که به عدد ۳ (میانگین ارزشی تعیین شده) بسیار نزدیک است که نشان‌دهنده امنیت متوسط محیط ارزیابی می‌شود. نتایج تحلیلی نشان می‌دهد که بین میانگین امتیاز کیفیت محیط و عدد ۳ اختلافی معنادار وجود دارد ($Sig < 0.05$). میزان امنیت زنان به تفکیک محدوده‌های مکانی نیز سنجش شد که با توجه به ماهیت فعالیت‌ها و خصیصه‌های مکانی به بخش‌های با عمل‌کرد غالب تجاری (خیابان باب همایون و ناصرخسرو)، بخش‌های با عمل‌کرد مختلط (خیابان‌های امام خمینی و خیابان ۱۵ خرداد)، کارگاه‌ها و مراکز تولیدی که عموماً در لایه‌های پنهان‌تر محدوده قرار دارند و بخش مسکونی واقع در جنوب پارک شهر تفکیک شد. جدول شماره (۱) میزان شاخص امنیت را به تفکیک محدوده‌ها نشان می‌دهد.

جدول (۱) میانگین امنیت به تفکیک زیرپهنه‌های مختلف محدوده

میانگین	بخش‌های محدوده
۳/۰۹۴۲	بخش مسکونی
۳/۰۳۶۷	پارک شهر
۲/۱۹۳۳	بخش‌های با عمل‌کرد غالب تجاری (خیابان باب همایون و ناصرخسرو)
۲/۴۳۳۳	بخش‌های با عمل‌کرد مختلط (خیابان‌های امام خمینی و خیابان ۱۵ خرداد)
۱/۹۲۶۷	کارگاه‌ها و تولیدی‌ها در لایه‌های پستی فرعی

همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان متوسط امنیت در بخش مسکونی برابر با ۳/۰۹ و پارک شهر ۳/۰۳ و متوسط و در بخش‌های تجاری و مختلط، کم و در بخش کارگاه‌ها و لایه‌های پستی معابر، بسیار کم است و در واقع بر پایه نتایج می‌توان اظهار داشت که بالاترین میزان احساس امنیت مربوط به بخش مسکونی و سپس پارک شهر است. عللی مختلف برای این مسئله می‌توان ارائه داد که بر پایه تنوع جنسی گروه‌های مصرف‌کننده از فضا و غلبه‌ی کارکردهای مسلط آن قرار دارد. همچنین توجه به نظارت‌پذیر بودن در محدوده‌های عمومی‌تر و از طرفی وجود فعالیت‌های اجتماعی نظیر کتابخانه و مراکز عمومی بی‌تأثیر نیست.

نقشه‌ی (۱) پهنه‌بندی امنیت سنجیده‌شده در هر یک از مکان‌های مورد مطالعه



همچنین بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، روابطی معنادار بین متغیرهای سنجیده‌شده وجود دارد ($Sig < 0/05$).

سنجش میزان تردد زنان در هر یک از زیرپهنه‌های محدوده

همان‌گونه که در قسمت نظری اشاره کردیم تمایل به حرکت در مسیرهای شهری می‌تواند شاخصی برای سنجش میزان رضایت از محیط‌های شهری محسوب شود، به‌ویژه هنگامی که امکان انتخاب چند مسیر وجود داشته باشد. برای تحلیل کیفیت تردد با استفاده از آزمون مقایسه‌ی میانگین، میانگین رفت‌وآمد زنان در هر یک از این مکان‌ها محاسبه شد. نتایج محاسبات در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است. با توجه به جدول شماره (۲) مشخص است که میانگین تمایل نزدیک به متوسط است. میانگین رفت‌وآمد در پارک شهر ۳/۴ است که تقریباً متوسط رو به بالاست، اما در مناطق تجاری عدد ۲/۱ نشان‌دهنده‌ی جاذبه نداشتن فعالیت‌های تجاری موجود در خیابان‌های باب همایون و ناصرخسرو با نیازها و سلیقه‌های زنان است. تعدد لباس‌فروشی‌های مردانه در خیابان باب همایون و فروش ابزار و دارو و غیره در خیابان ناصرخسرو می‌تواند یکی از دلایل تردد پایین زنان در این معابر باشد. میزان رفت‌وآمد در دو خیابان ۱۵ خرداد و امام خمینی نسبتاً بالا است که می‌تواند به دلیل وجود جاذبه‌های مترو و کاربری‌های سازگار با روحیه‌ی زنان نظیر محوطه‌ی بازار و مراکز اداری باشد. و عدد ۱/۴ نشان‌دهنده‌ی تردد بسیار پایین زنان در محوطه‌ی تولیدی‌ها و کارگاه‌ها و در نتیجه معابر فرعی کل محدوده است که بستر چنین کاربری‌هایی هستند.

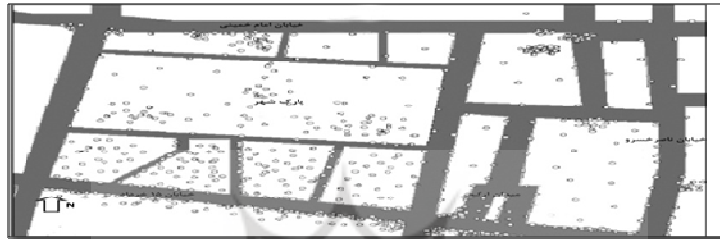
جدول (۲) میانگین رفت‌وآمد زنان به تفکیک زیرپهنه‌ها در محدوده

میانگین تردد	محدوده‌های مکانی مورد مطالعه
۳/۴۱۴۷	پارک شهر
۲/۱۲۵۴	بخش‌های با عمل‌کرد غالب تجاری (خیابان باب همایون و ناصرخسرو)
۳/۵۷۱۴	بخش‌های با عمل‌کرد مختلط (خیابان‌های امام خمینی و خیابان ۱۵ خرداد)
۱/۴۴۴۱	کارگاه‌ها و تولیدی‌ها در لایه‌های پستی
۲/۳۵۵۹	بخش مسکونی

همچنین در همه‌ی این مناطق به علت وجود Sig کمتر از ۰/۰۵ اختلافی معنادار وجود دارد. نقشه‌ی شماره (۲) میزان تردد در هر یک از مناطق مورد مطالعه‌شده را به صورت شماتیک نشان می‌دهد.

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۶۱

نقشه‌ی (۲) میزان تردد زنان در هر یک از مناطق مطالعه‌شده از محدوده‌ی مطالعاتی

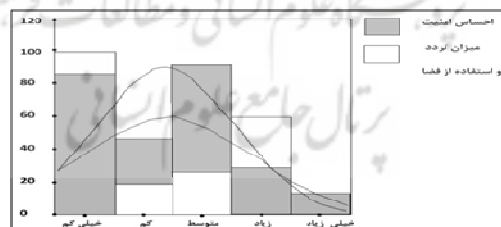


رابطه‌ی بین میزان رفت‌وآمد در بخش‌های مختلف محدوده با میزان امنیت

در این قسمت برای هر یک از بخش‌های تقسیم‌بندی‌شده در محدوده‌ی مطالعاتی، با استفاده از هیستوگرام و منحنی نرمال (بر اساس دو عامل میزان تردد و استفاده از آن بخش و میزان احساس امنیت حاصل از استفاده از فضا) و ترکیب نتایج حاصله مشخص شد که بین میزان تردد و احساس امنیت در هر یک از مناطق مطالعه‌شده ارتباطی مستقیم وجود دارد. در این‌جا برای اختصار از آوردن تمامی نمودارها صرف‌نظر کرده و فقط نمونه‌ی تحلیل‌شده‌ی پارک شهر را در نمودار شماره (۱) آورده‌ایم.

نمودار (۱) منحنی‌های تطبیق‌یافته رابطه‌ی میزان تردد

و احساس امنیت در پارک شهر



در مجموع و بر اساس تطبیق نمودارها، به‌روشنی می‌توان گفت که در اماکنی نظیر پارک شهر، خیابان امام خمینی و خیابان پانزده خرداد عموماً هرچه میزان تردد فرد بیشتر بوده، احساس امنیت درک‌شده از فضا نیز افزایش پیدا کرده است که برخی از دلایل آن می‌تواند به احساس آشنایی بیشتر، احساس تعلق و افزایش اعتماد به نفس فرد بازگردد. اما در مورد خیابان باب همایون و خیابان ناصر خسرو- مشابه بخش قبلی- علاوه بر این که عموماً زنان به‌ندرت از فضای باب همایون و ناصر خسرو استفاده می‌کنند، احساس امنیت کمی در این منطقه وجود دارد. این رابطه نیز مانند آن‌چه در بخش قبلی ذکر شد می‌تواند به‌علت آشنا

نبودن و کاهش اعتماد به نفس در استفاده از فضا مربوط شود. همچنین میزان تردد زنان در فرعی‌های تجاری-کارگاهی محدوده بسیار پایین و میزان امنیت درک شده نیز پایین است و بین این دو متغیر رابطه‌ای مستقیم وجود دارد که از منظر تحلیل مسایل اجتماعی قابل پیش‌بینی است. از مجموعه مباحث مطرح شده در بالا می‌توان گفت که به‌طور کلی هرچه میزان امنیت بالا برود، میزان تردد و استفاده از فضاهای شهری افزایش می‌یابد و هرچه میزان استفاده از فضا افزایش می‌یابد، احساس امنیت افراد نیز ارتقاء می‌یابد. و به‌عبارت ساده‌تر این دو متغیر یک رابطه‌ی متقابل و تأثیرگذار مثبت بر یکدیگر دارند و با استفاده‌ی بیشتر از فضا و افزایش احساس امنیت، رونق و موفقیت فضای شهری افزایش می‌یابد.

سنجش شاخص‌های بعد کالبدی-اجتماعی و اجتماعی مؤثر بر امنیت

این بعد با استفاده از دو شاخص شهرت محیط و میزان آشنا بودن سنجیده شد. در این‌جا مطابق با جدول شماره (۳) این شاخص‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. برای این منظور از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره و ضرایب بتا استفاده شده است که ضرایبی استاندارد شده است و اهمیت هر یک از متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۳) رتبه‌بندی شاخص‌های بعد اجتماعی-کالبدی

سطح معناداری Sig	t	ضرایب استاندارد نشده ^{۳۹}		
		ضرایب استاندارد شده ^{۴۰} بتا	Std B	
۰/۰۰۰	-	-	۰/۰۵۶	(Constant)
۰/۰۰۰	۳۱/۳	۰/۵۲۴	۰/۰۱۸	شهرت فضا
۰/۰۰۰	۳۷/۸	۰/۶۳۲	۰/۰۱۴	آشنا بودن فضا

همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود هر یک از شاخص‌ها با بعد کالبدی-اجتماعی رابطه‌ای معنادار دارند زیرا سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ دارند. همچنین بتای متغیر شاخص شهرت برابر با ۰/۵۲ و بتای شاخص میزان آشنا بودن فضا برابر با ۰/۶۳ و در نتیجه شاخص آشنا بودن فضا به میزانی اندک نسبت به شاخص شهرت محیط مهم‌تر است.

شاخص شهرت (خوش‌نامی یا بدنامی) فضاها^{۴۱} نیز بیان‌گر تأثیرگذاری ویژگی‌های ادراکی بر رفتارهای امنیتی است. با توجه به جدید بودن این مبحث، در این‌جا نتایج تحلیلی شاخص شهرت فضا را

39. Unstandardized Coefficients

40. Standardized HCoefficients

41. Reputation of places

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۶۳

آورده‌ایم. همان‌طور که در بخش قبلی ذکر شده است، مکان‌هایی خاص معمولاً توسط گروه‌هایی از زنان برچسب می‌خورند و بدنام و ناامن تلقی می‌شوند و این امر موجب احساس ناامنی ذهنی و اجتناب از چنین فضاهایی می‌شود (پین و کاسکالا، ۲۰۰۰: ۲۹۲). نتایج (با استفاده از آزمون مقایسه‌ی میانگین) و انطباق منحنی نرمال دو پاسخ نشان می‌دهد که میانگین شهرت محدوده در نظر فرد ۲/۹۷ بوده و از میانگین شهرت آن در نظر جمع بیشتر است. این امر نشان‌دهنده‌ی این مطلب ظریف است که اغلب کاربران فضای مورد مطالعه معتقد بودند که این فضا نسبت به آن‌چه سایر مردم معتقدند (شهرت فضا) فضای چندان بدی نیست، اما نظر عموم مردم در مورد این مکان نسبتاً منفی است (میانگین ۲/۶) و دیگران تمایل زیادی برای همراه شدن با آن‌ها در آمدن به این فضا و به‌ویژه برای گذران اوقات فراغت ندارند.

سنجش شاخص‌های بعد اجتماعی مؤثر بر امنیت

همان‌طور که در بخش نخست ذکر شد، این بعد دارای شاخص‌های عدالت اجتماعی فضا، امنیت درک‌شده از تراکم جمعیت، نظارت و مراقبت از فضا و جاذبه و اجتماع‌پذیری فضا است (مؤلفه‌های شخصیتی پرسش‌شوندگان به‌صورت جداگانه تبیین شده است). مطابق با جدول (۴) این شاخص‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. برای این منظور از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره و ضرایب بتا استفاده کرده‌ایم که ضرایبی استاندارد شده است و اهمیت هر یک از متغیرها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود هر یک از شاخص‌ها با بعد اجتماعی رابطه‌ای معنادار دارند (Sig کمتر از ۰/۰۵) و می‌توان بی‌هیچ تردیدی تأثیرگذاری جنبه‌های اجتماعی بر ارتقای امنیت را تأیید کرد. این مسئله تأییدی مجدد بر رعایت خصیصه‌های اجتماعی مکان‌های شهری است که متأسفانه در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری به‌دلیل تسط ابعاد کالبدی و زیبایی‌شناختی کمتر به آن توجه می‌کنند.

جدول (۴) رتبه‌بندی شاخص‌های بعد اجتماعی مؤثر بر امنیت در محدوده

اولویت‌بندی متغیرها	سطح معناداری Sig	t	ضرایب استاندارد نشده			
			ضرایب استاندارد شده بتا	Std B		
	۰/۰۰۰	-	-	۰/۰۹۰	-۰/۴۲۳	(Constant)
۱	۰/۰۰۰	۳۰/۴۰۴	۰/۵۱۷	۰/۰۱۵	۰/۳۰۰	عدالت اجتماعی فضا
۴	۰/۰۰۰	۱۷/۵۲۹	۰/۴۲۷	۰/۰۱۴	۰/۲۴۹	امنیت درک‌شده از تراکم جمعیت
۳	۰/۰۰۰	۱۴/۵۴۱	۰/۳۷۴	۰/۰۱۹	۰/۲۸۰	نظارت و مراقبت از فضا
۲	۰/۰۰۰	۱۹/۰۸۳	۰/۵۰۹	۰/۰۱۶	۰/۲۹۶	جاذبه و اجتماع‌پذیری فضا

نامنی حاصل از چیرگی جنسیتی و فقدان عدالت در فضا نیز جنبه‌ای مؤثر از خصیصه‌های اجتماعی فضا است. اولویت‌بندی شاخص‌ها را به ترتیب اهمیت تأثیرگذاری‌شان در ستون انتهایی جدول (۴) آورده‌ایم که نشان می‌دهد شاخص عدالت اجتماعی فضا بالاترین درجه‌ی تأثیر را دارد که این شاخص نیز خود شامل متغیرهای میزان تسلط‌پذیری جنسیتی فضا و میزان تبعیض اجتماعی فضا است و نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند که در این شاخص نیز متغیر چیرگی و تسلط‌پذیری جنسیتی فضا بیشترین تأثیرگذاری را داشته است زیرا بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، محدوده‌ی مورد مطالعه از نظر درجه‌ی تبعیض ناشی از گروه‌های اجتماعی در فضا در سطحی بسیار پایین (میانگین ۱/۸) قرار دارد و کاربران این فضای شهری آن‌را متعلق به همه و نه گروه خاص اجتماعی (نظیر دسته‌های ثروت‌مند یا فقیر، جوان یا پیر، پوشش لباس و غیره) می‌دانند و این - همان‌طور که در بخش مبانی نظری نیز آمده است - از مزایای مرکز شهر است. در حالی که عده‌ای زیاد از شرکت‌کنندگان در تحقیق در خلال مصاحبه‌ها مدعی بودند که در سایر نقاط شهر (به‌خصوص در شمال شهر) این تبعیض و ترس ناشی از آن‌را به‌خوبی حس کرده‌اند. در مورد احساس تبعیض جنسیتی، عموماً افراد پرسش‌شونده (با توجه به محاسبه‌ی میانگین: ۳/۵) این تبعیض را حس کرده‌اند و به بیان ساده این محیط را جایی مناسب برای زنان نمی‌دانستند. پس می‌توان گفت که این فضا از نظر جنسیتی چیره شده است و با اطمینان می‌توان گفت که خدشه‌دار شدن عدالت فضا و نامنی ذهنی در محیط اجتماعی به‌علت چیرگی فضا است. نتایج بر این جنبه تأکید می‌کنند که تبعیض جنسیتی یکی از عوامل کاهش احساس امنیت زنان در فضای مورد مطالعه در بعد اجتماعی است. ضریب تعیین شاخص‌های سنجیده‌شده در بعد اجتماعی، مقدار آر دو (r^2) برابر با ۰/۸۳ است که نشان می‌دهد بخشی عمده از تغییرات واریانس توسط بعد کالبدی-اجتماعی تحلیل و ۱۷ درصد باقی‌مانده توسط سایر متغیرهای دیگر تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیت از حقوق و نیازهای اولیه و لازمه‌ی رفاه انسانی و جنسیت، مهم‌ترین مؤلفه‌ی تأثیرگذار در بین ویژگی‌های شخصیتی است. زنان در مواجهه با نامنی از مردان آسیب‌پذیرتر هستند و این امر تحلیل جداگانه‌ی عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت آنان و در نهایت ارتقای امنیت کل جامعه را ضروری می‌سازد.

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۶۵

فضاهای عمومی شهری و از جمله مراکز شهرها در مقابل ناامنی آسیب‌پذیرند و این ناامنی ممکن است باعث کاهش استفاده‌ی زنان و در مواردی اجتناب آنان از این فضاها شود که در بلندمدت مضرات اجتماعی و اقتصادی زیادی به بار خواهد آورد.

در این پژوهش بخش مرکزی شهر تهران در محدوده‌ی اطراف پارک شهر، که منطقه‌ای بسیار پرتردد است، به‌عنوان نمونه‌ی مطالعات میدانی انتخاب و مدل تجربی طراحی‌شده بر اساس ابعاد و شاخص‌ها و متغیرهای اصلی پژوهش با مشارکت مستقیم خود زنان به سنجش گذاشته و احساس امنیت حاصل از کل مدل و به تفکیک پهنه‌های مکانی مختلف سنجیده شد. با توجه به نظم منطقی این نتیجه‌ی جالب به‌دست آمد که بین احساس امنیت درک‌شده از فضا و میزان تردد و استفاده از آن فضا رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. لذا برنامه‌ریزی و طراحی‌های شهری باید در جهت افزایش تردد و حضور و در واقع استفاده‌ی بیشتر زنان از فضاهای شهری باشد که این مبحث نیز خود در دو بخش ایجاد فضای کالبدی و اجتماعی تشویق‌کننده به حضور زنان تحقق‌پذیر است.

در نهایت، مهم‌ترین شاخص‌های دو بعد کالبدی-اجتماعی و اجتماعی (بر اساس آزمون بتای اولویت‌بندی شاخص‌ها در هر بعد) در این مقاله مرور شده‌اند و نتایج نشان داده‌اند که در بعد کالبدی-اجتماعی شاخص آشنا بودن محیط نسبتاً از اهمیتی بالاتر نسبت به شهرت محیط برخوردار بوده و نتایج آماری نشان داده‌اند که شهرت محدوده‌ی مورد مطالعه در نظر افراد بهتر از شهرت در نظر اکثریت مردم است و عموماً شرکت‌کنندگان در تحقیق معتقد بوده‌اند که نظر بیشتر مردم نسبت به این مکان چندان مثبت نیست. به‌علاوه در تحلیل بعد اجتماعی مشخص شد که در بین شاخص‌های سنجیده‌شده، شاخص فقدان عدالت در فضا بیشترین درجه‌ی اهمیت را داشته است که در بین متغیرهای این شاخص نیز چیرگی جنسیتی مهم‌ترین عامل در فقدان احساس امنیت ذهنی زنان در این مکان بوده است. در حالی که از نظر گروه‌های اجتماعی سطح تبعیض محیط پایین بوده است.

با توجه به آن‌چه در بخش‌های مطالعات نظری و نتایج داده‌ها آمده است، پیشنهاد‌های ارائه‌شده برای ارتقای امنیت بانوان در فضاهای عمومی شهری، نظیر محدوده‌ی مورد مطالعه، می‌توانند به شرح ذیل باشند:

- شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش میزان تردد در آن‌ها.
- تبلیغات مثبت برای ارتقای شهرت محیط در اذهان عمومی.

- کاهش میزان چیرگی جنسیتی فضا به کمک افزایش دادن حضور زنان در محیط و پیشنهاد فعالیت‌های سازگار با روحیه‌ی زنان در اماکن آسیب‌پذیرتر. برای مثال در محدوده‌ی مطالعه‌شده در محوطه‌ی شمال شرقی و غرب پارک شهر و خیابان‌های ناصرخسرو، باب همایون که نسبتاً تحت چیرگی جنسیتی هستند.
- هم‌چنین با توجه به شاخص‌های دیگر تحقیق: افزایش ضریب آشنا بودن محیط با استفاده از عناصر الحاقی آشنا برای مردم در فضا، جلوگیری از به‌وجود آمدن احساس غربت و ترس ناشی از آن، افزایش میزان اجتماع‌پذیری فضا، استفاده از سیاست نظارت طبیعی اجتماعی بر فضا و پویا نمودن جمعیت می‌تواند در ارتقای امنیت تأثیرگذار باشد.

منابع

- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸) روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور.
- ضابطیان، الهام (۱۳۸۷) شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط شهری نمونه‌ی موردی مطالعه: محدوده‌ی جنوبی خیابان امام خمینی حد فاصل خیابان ناصرخسرو تا وحدت اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس.
- طالب، مهدی (۱۳۷۰) چگونگی انجام مطالعات اجتماعی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Bell, Wendy (1998) "Women and Commiunity Safety", Bell Planning Associates South Australia, NO 32, P 1-26.

Boyle, Julie & Dr Findlay, Catherine and Forsyth, Leslie (2001) "An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the Urban Environment", Open space, London, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Tourism Management , p 5-16.

Brady, Martha (2005) " Safe Spaces for Adolescent Girls ", Population Council. www.beverley.gov.uk.

Brownlow, Alec (2005) "A geography of men_s fear, Department of Geography and Urban Studies", Temple University, Philadelphia, PA 19122, Geoforum 36, www.elsevier.com/locate/geoforum, 2005.

Ditton, Jason (2000) "Crime and the city, public attitudes towards open-street CCTV in Glasgow", Oxford, The center for crime and justice studies(ISTD),BRIT.CRIMINOL.

Burton, Elizabeth and Mitchell Lynne (2006) "Inclusive Urban Design, Streets for Life", Architectural Press, First edition, UK.

Howard, John (1999) "FEAR OF CRIME", Society Of Alberta, www.elsevier.com.

Koskela a, Hille, Pain b, Rachel (1999) "Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built Environment", a Department of Geography, University of Helsinki,

سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری ۶۷

Helsinki, UK, Finland b Division of Geography and Environmental Management, University of Northumbria at Newcastle.

M. Lubuva, John and Anna Mtani (2004) "Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam ", Safety Audits for Women, Dar es Salaam, Tanzania, 13-17. " Making Safer Places, Women's Safety in our Cities ", National Conference, Conference Report, London , 18th November 2005.

Rosewarne, Lauren (2005) "The men's gallery, Outdoor advertising and public space: Gender, fear, and feminism", Department of Political Science, University of Melbourne, Victoria, Women's Studies International Forum 28, www.elsevier.com/locate/wsif.

S Tiesdell (1998) "Fear and Gender in Public Space, City center management and safer city centers: approaches in Coventry and Nottingham", university Nottingham, institute of urban planning ,school of built environment, pergamon, uk. "Safety and Safety Promotion : Conceptual and Operational Aspects", World Health Organisation, Centre on Community Safety Promotion, Karolinska Institutet, Sweden, September 1998.

Wadham, Dorothy (2003) "A Woman in the Public Sphere", Oxford University Press, English Historical Review.

www.pps.org, 2005

www.feminist.com , (2006)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی